امنیت غذایی زنان مهاجر افغان در منطقه‌ی فرحزاد و شهرری

سیده زهره مرشدی: کارشناس مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.
معصومه معارف‌وند*: دکترای مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران arammaref@gmail.com

چکیده

مقدمه: علی رغم حضور طولانی مدت مهاجران افغان در ایران آن‌ها همچنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایران محروم مانده‌اند. مهاجران افغان یکی از گروه‌های در معرض خطر بشمار می‌روند و بخصوص زنان و کودکان مهاجر افغان می‌توانند در معرض خطر ناامنی غذایی قرار بگیرند.

روش: به‌منظور تعیین شیوع ناامنی غذایی در میان زنان مهاجر افغان در فرحزاد و شهرری یک مطالعه مقطعی انجام شد. ۱۵۰ زن مهاجر افغان که در چهار سازمان مردم نهاد ثبت نام شده بودند، در مطالعه شرکت کردند و پرسشنامه ناامنی غذایی رادیمر-کرنل را تکمیل کردند. آزمون یو من ویتنی و کروسکال والیس برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

نتایج: بیش از ۸۴ درصد شرکت‌کنندگان از ناامنی غذایی رنج می‌بردند. آن‌ها ناامنی غذایی را در خرده مقیاس‌های خانوار (۹۶٪)، بزرگسال (۹۳٪) و کودک (۸۴/۷) گزارش کردند. ناامنی غذایی در میان زنان سرپرست خانوار، زنان بی‌سواد و کسانی که به‌صورت غیرقانونی در ایران حضور داشتند، به‌طور معناداری شایع‌تر بود.

بحث و نتیجه‌گیری: اگرچه شرکت‌کنندگان در این مطالعه از سازمان‌های مردم نهاد خدمت دریافت می‌کردند، شیوع ناامنی غذایی به‌طور قابل توجهی بالا بود. سیاستگذاران باید به برنامه‌های دسترسی به غذا صرف نظر از قانونی بودن مهاجرت زنان افغان توجه نمایند.

واژگان کلیدی

زنان

ناامنی غذایی

مهاجر

افغان

ایران

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۹

نحوه استناد به مقاله: سیده زهره مرشدی و معصومه معارف‌وند. امنیت غذایی زنان مهاجر افغان در منطقه‌ی فرحزاد و شهرری. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۵؛ ۵ (۱): ٤۰-۳٤

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]

Afghan Immigrant Women's Food Security in Farahzad and Shahrerey

Seyyede Zohreh Morshedi: B.A. in social work, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

Masoomeh Maarefvand*: PhD. of social work, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran. arammaref@gmail.com

Abstract

Introduction: Despite the Afghan immigrant longstanding presence in Iran, they remain excluded from key aspects of social, political and economic life in the country. Afghan immigrants are a potential vulnerable group and women and children could be at risk of food insecurity.

Methods: A cross-sectional study was conducted to determine the prevalence of food insecurity among Afghan immigrant women in Farahzad and Shahrerey. 150 Afghan immigrant women who were registered in four non-gvernmental organizations participated in the study and filled out the Radimer-Cronell food insecurity questionnaire. The Mann–Whitney U and Kruskal Wallis test were used to analyze data.

Results: More than 84% of participants were suffering from food insecurity. They reported food insecurity in subscales of household (96%), adult (93%) and child (84.7%). Food insecurity was significantly more prevalent among female-headed households, women who were illiterate and those with illegal residential status.

Conclusions: Although participants in this study had been served by NGOs, prevalence of food insecurity was relatively high. Policy makers need to consider the food access programs regardless of legality of Afghan women's immigration.

Keywords

Women

Food Security

Immigrant

Afghan

Iran

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 06 Feb 2016
Accepted: 17 Apr 2016

Please cite this article as follows: Morshedi S and Maarefvand M. Afghan immigrant women's food security in Farahzad and Shahrerey. Quarterly journal of social work. 2016; 5 (1); 34-40

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]

مقدمه

امنیت غذایی را حق دسترسی منظم، دائمی، بدون مانع، به‌صورت مستقیم و به‌وسیله‌ی مبادلاتی می‌دانند که از طریق پول صورت می‌گیرد. غذا باید از نظر کمی و کیفی مناسب باشد و تعیین میزان غذای کافی به عادات فرهنگی افراد مصرف کننده بستگی دارد. غذا باید تضمین کننده‌ی زیستی با سلامت روانی و جسمی، فردی و اجتماعی، حفظ کمال و احترام شخص و به دور از اضطراب باشد. (۱) ناامنی غذایی با محدودیت یا دسترسی متغیر به مواد مغذی کافی و غذاهای ایمن یا محدودیت یا توانایی متغیر برای به‌دست آوردن غذاهای قابل قبول و از راه‌های قابل قبول تعریف می‌شود. (۲، ۳) ناامنی غذایی نه تنها عدم دسترسی به غذا است، بلکه جنبه ادراکی نظیر ناکافی بودن غذا از نظر کمیت و کیفیت، غیرقابل قبول بودن از نظر اجتماعی و نگرانی را نیز دربردارد و یک تجربه پی‌درپی است که از نگرانی و اضطراب درباره غذا در سطح خانوار آغاز می‌شود و تا پدیدار شدن گرسنگی در کودکان پیشرفت می‌کند. سن، تحصیلات سرپرست خانوار، وضعیت اقتصادی، از دست دادن شغل، نداشتن شغل ثابت و پس انداز، تک سرپرستی، قومیت، افزایش بعد خانوار و از دست دادن کمک‌های غذایی در مطالعات مختلف از جمله عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی معرفی شده‌اند. (۴، ۵)

مهاجرت برای افراد اغلب با بحران همراه است و سبب ایجاد وقفه در زندگی و از دست دادن امتیازاتی می‌شود که به سوءتغذیه و ناامنی غذایی منجر می‌شود. در امر مهاجرت حمایت (حفاظت)، امنیت غذایی و سوءتغذیه مفاهیمی درهم تنیده و نزدیک به هم هستند. معمولاً مهاجرین برای تأمین نیازهای اساسی شان با چالش‌های جدی روبرو می‌شوند و عدم پاسخگویی به نیازهایشان می‌تواند آن‌ها را در معرض ناامنی غذایی قرار دهد. گزارش‌های متعددی ناامنی غذایی مهاجرین را مورد تأکید قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان به ناامنی غذایی مهاجران سوری (۶، ۷) و مهاجران افغان (۸، ۹) اشاره کرد. امنیت غذایی پناهندگان بر اساس وضعیت معشیت، شرایط و مهمتر از همه محل زندگی آن‌ها متفاوت است. (۱) پژوهشگران معتقدند افراد یا جمعیت‌های مبتلا به ناامنی غذایی، در معرض تاثیرات منفی ناشی از آن بر سطح سلامتی خود هستند. (۱۰) گروه‌های ناامن غذایی با مشکلاتی مانند شیوع بالاتر برخی بیماری‌های غیر واگیر مانند چاقی و اضافه وزن، فشار خون بالا و استعمال دخانیات روبرو هستند. (۱۱) ارزیابی امنیت غذایی به‌خصوص در میان زنان اهمیت بیشتری دارد زیرا ناامنی غذایی خانوار با کاهش دریافت ریزمغذی‌ها (۱۲) میوه و سبزیجات در میان زنان در سنین باروری ارتباط دارد و مطالعات ارتباط میان ناامنی غذایی خانوار با اضافه وزن به‌خصوص در زنان را تأیید کرده‌اند. (۱۳)

هنگامی که ناامنی غذایی در درون خانوار رخ می‌دهد، معمولاً در سه سطح متمایز خانوار، بزرگسال و کودک تجربه می‌شود. (۴، ۱۴) این تجربه بر اثر درآمد کم، بی‌ثباتی یا قطع ناگهانی درآمد است. وقایعی که در سطح خانوار اتفاق می‌افتد شامل عدم اطمینان یا نگرانی در مورد تداوم موجودی مواد غذایی (نگرانی در مورد اینکه یک مواد غذایی تا چه مدت می‌ماند)، نامناسب بودن مواد غذایی (عدم توانایی در خرید مواد غذایی متنوع و با کیفیت و مناسب) و تخلیه ذخایر مواد غذایی (تمام شدن یک یک مواد غذایی موجود در خانه) می‌شوند. دریافت ناکافی غذا از نظر کیفیت در کودکان و بزرگسالان و دریافت ناکافی غذا از نظر کمیت در بزرگسالان مهمترین وقایع بشمار می‌روند. دریافت ناکافی غذا مهمترین رویداد در سطح ناامنی غذایی کودک معرفی شده است (۴، ۱۴). شیوه‌های مواجهه با ناامنی غذایی، از خانواری به خانوار دیگر فرق می‌کند؛ بنابراین ناامنی غذایی خانوار و فرد لزوماً به‌طور همزمان اتفاق نمی‌افتد. در مرحله‌ی اول ناامنی غذایی در خانوار بروز می‌کند سپس با پیشروی به سمت شرایط سخت، زنان تا وقتی که بتوانند مواد غذایی بیشتری را فراهم کنند، دریافت غذایشان را محدود می‌کنند. بنابراین بعد از نگرانی در مورد مواد غذایی، ناامنی غذایی زنان خانوار اتفاق می‌افتد. در این مرحله هنوز ناامنی به فرزند یا فرزندان خانوار منتقل نشده است. هنگامی که شدت مساله به اندازه‌ای می‌شود که خانوار دیگر قادر به حمایت از کودک هم نیست، گرسنگی به کودک نیز سرایت می‌کند. (۱۵) کاواچی سرمایه اجتماعی را مسبب افزایش شانس دسترسی به انواع مختلف حمایت‌های اجتماعی در زمان‌های مورد نیاز می‌داند. خانوارهایی که همسایگانشان به آن‌ها اعتماد داشته و شناخت کافی دارند به احتمال زیاد برای رفع مشکل غذایی‌شان اقدام می‌کنند. این امتیاز به ظاهر بی‌اهمیت می‌تواند تفاوت زیادی از نظر دسترسی به غذا به‌خصوص

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]

بـرای خانوارهای کم درآمـد ایجاد نماید. (۱۵)همچنین سگویا اظهار می‌کند که سرمایه اجتماعـی احتمـال افزایش امنیـت غذایی در هر دو سـطح جامعه و خانوار را تقویت می‌کند. سـرمایه اجتماعـی در همه زمان‌ها بویژه در زمان بحران نقشی تسهیل کننده در دسترسـی به مواد غذایی برای خانوارها و یا جوامع آسیب دیده از طریق امکان دسترسی به شـبکه‌های خارجی، روابط خویشاوندی و همبسـتگی اجتماعی با جامعه ایفا می‌کند. (۱۶) همچنیـن دورو (۲۰۱۲) برنامه‌هـای حمایـت اجتماعـی را در مدیریـت امنیت غذایی و کاهش آسـیب‌پذیری ناشی از آن دارای نقش مؤثری می‌داند و عقیده دارد که اگـر برنامه‌های حمایت اجتماعی در جامعه هدف، توام با عدالت اجتماعی باشد، امنیت غذایی تقویت می‌گردد. (۱۷) طی سی سال گذشته سهم ایران پذیرش بیش از سه میلیون مهاجر افغانستانی بوده است. وضعیت ناامن افغانستان، جنگ، فقر، بیکاری و عدم امکان تحصیل از جمله عواملی هسـتند که سـبب مهاجرت افغان‌ها به سایر کشورها می‌شود. علاوه بـر این اشـتراک مذهبـی و زبانی، امکان اشـتغال و ... ایران را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کشورهای هدف برای مهاجرت افغان‌ها تبدیل کرده است. (۱۸-۲۱) اگرچه افغان‌هـا سال‌هاسـت که در ایـران حضور دارند، بر اسـاس قوانین جمهوری اسـلامی ایـران نمی‌توانند تابعیت ایران را کسب کنند و همواره در طول اقامت خود با محدودیت‌های متعددی روبرو بوده‌اند. تعداد زیادی از افغان‌هایی که در ایران حضور دارند، به‌صورت غیرقانونی وارد این کشور شده‌اند و به دلیل حضور غیرقانونـی از حداقل‌هایی که پناهندگان افغـان و یا دارندگان ویزا از آن‌ها برخوردار می‌شوند نیز بی‌بهره می‌مانند. محدودیت‌های قانونی برای اشـتغال و اقامت در ایران، حضور غیرقانونی و مشکلات ناشی از آن همگـی تهدیدکنندگان جدی امنیت غذایی این گروه بشـمار می‌روند.

مطالعه‌هـای انجام شـده توسـط امیـدوار و همـکاران (۲۰۱۳) و عبداللهـی و همکاران (۲۰۱۵) نشـان دهنده ناامنـی غذایی مهاجران افغان در ایران است. (۸، ۹) امیدوار و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای که در مورد مهاجران افغان در شـهرهای تهران و مشـهد انجام دادند بـا ۳۱۰ زن مهاجر افغـان مصاحبه کردند و پرسشـنامه ناامنی غذایی خانـوار را تکمیل نمودند. آن‌ها به این نتیجه رسـیدند که بیش از ۶۰ درصد شـرکت‌کنندگان در پژوهش با ناامنی غذایی متوسـط تا شدید روبرو بودند. بر اساس این مطالعه ناامنی غذایی در میان زنان سرپرست خانوار، زنانی که سرپرسـت آن‌ها تحصیلات کمتری داشـتند، سنی بودنـد و به صورت غیرقانونی در ایران حضور داشـتند و در مشـهد زندگی می‌کردند، شـایع‌تر بود. عبداللهی و همکاران در سـال ۲۰۱۵ نتایج مطالعه‌ای را منتشـر کردند که در سـال ۲۰۰۸ انجام گرفته بود. آن‌ها نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که ۸۸ درصدپناهندگان افغان شـرکت‌کننده در پژوهش از ناامنی غذایی رنج می‌بردند. در این مقاله نتایـج مطالعه‌ای که در زمینه امنیت غذایی مهاجران افغان (اعم از قانونی یا غیرقانونی) در دو منطقه شهری و فرحزاد در شهر تهران انجام شد، گزارش شده است.

روش

این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۵ و در مورد زنان مهاجر افغانستانی تحت پوشش ۴ مرکز غیردولتی حمایتی-آموزشی فعال در منطقه‌ی فرحزاد و شهرری انجام گرفت. روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس انجام شد. برای این منظور سهم هر مرکز با توجه به تعداد کل زنان مهاجر افغان تحت پوشـش از کل تعداد نمونه مشـخص شد و زنان مهاجر افغان که در طول اجرای پژوهش در دسترس بودند، در پژوهش شرکت کردند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه استفاده شـد؛ پرسشنامه دموگرافیک و پرسشـنامه امنیت غذایی رادیمر و کرنل. با استفاده از پرسشـنامه دموگرافیک اطلاعاتی درباره سـن، زندگی با همسر یا بدون همسر، تحصیلات فرد و سرپرست خانوار، شغل، مدت مهاجرت و وضعیت اقامت جمع‌آوری شـد. پرسشـنامه‌ی امنیت غذایی رادیمر و کرنل که برای اندازه‌گیری ناامنی غذایی در سـه سـطح خانوار، بزرگسال و کودک طراحی شده است، ۱۶ گویه دارد که ۸ آن‌ها مربوط به امنیت غذایی خانوار، ۵ گویه در مورد امنیت غذایی بزرگسـال و ۳ گزاره در مورد امنیت غذایی کودک است. در مطالعه ظرافتی شعاع (۲۰۰۷) آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های ناامنی خانوار، ناامنی بزرگسـال و ناامنی کودک به ترتیب ۰/۸۹۷، ۰/۸۲ و ۰/۷۹۶ گزارش شـد که نشـانه‌ی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]

سازگاری درونی بالای شـاخص‌ها می‌باشد؛ به عبارت دیگر گویه‌ها در هر مقیاس با هم می‌توانند یک شاخص را تشکیل دهند.

پرسشـنامه‌ها در محل سـازمان‌های مردم نهادی که نمونه‌گیری در آن‌ها انجام شد، تکمیل گردید و با توجه به اینکه اغلب شرکت‌کنندگان سـطح سواد پایینی داشـتند، پرسشـنامه‌ها به‌صورت مصاحبه با افراد تکمیل شـد. بـه شـرکت‌کنندگان در پژوهش توضیح داده شـد که اطلاعات آن‌ها با رعایت گمنامی در پژوهش اسـتفاده خواهد شـد. در عیـن حال برخی از سـازمان‌های مردم نهاد فعال در این حوزه که اجازه نمونه‌گیری را به تیم پژوهش دادند، مایل نبودند که نامشـان در گزارش نهایی ذکر شـود. از این رو در این مقاله نام سـازمان‌های مذکور آورده نشـده اسـت. شرکت در مطالعه داوطلبانه بود و در صورتی که زنان مهاجر افغان تحت پوشش مراکـز مایل بـه پاسـخگویی نبودند، عدم پاسخگویی آن‌ها مانع از ادامه ارائه خدمات توسط سـازمان مردم نهاد به آن‌ها نمی‌شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها از آزمون‌های یو من-ویتنی و کروسکال والیس استفاده شد.

یافته ها

جدول(۲) توزیع فراوانی و درصد فراوانی و میانگین و تفاوت ناامنی غذایی در میان زنان مهاجر افغان برحسب تحصیلات، وضعیت اقامت و وضعیت سرپرستی خانوار

متغیرها		فراوانی	درصد فراوانی	ناامنی غذایی کل		ناامنی غذایی در بعد خانوار		ناامنی غذایی در بعد بزرگسال		ناامنی غذایی در بعد کودک	
				میانگین	P	میانگین	P	میانگین	P	میانگین	P
تحصیلات زنان	بی سواد	۷۵	۵۰	۸۸/۷۶	۰/۰۰۵	۸۴/۹۰	۰/۰۰۰	۸۹/۶۴	۰/۰۰۰	۸۹/۲۳	۰/۰۰۰
مهاجر افغان	با سواد	۷۵	۵۰	۶۲/۲۴		۶۶/۱۰		۶۱/۳۶		۶۱/۷۷	
وضعیت اقامت	قانونی	۱۱۳	۷۵/۳	۷۰/۲۸	۰/۰۱۰	۶۹/۶۷	۰/۰۰۲	۷۲/۲۹	۰/۱۰۷	۷۰/۶۷	۰/۰۱۵
در ایران	غیرقانونی	۳۷	۲۴/۷	۹۱/۴۵		۹۳/۳۱		۸۵/۳۱		۹۰/۲۶	
وضعیت	سرپرست زن	۱۴	۹/۳	۱۱۱/۶۸	۰/۰۰۱	۹۹/۸۶	۰/۰۱۹	۱۰۹/۰۷	۰/۰۰۲	۱۰۷/۷۱	۰/۰۰۳
سرپرستی خانوار	سرپرست مرد	۱۳۶	۹۰/۷	۷۱/۷۸		۷۲/۹۹		۷۲/۰۴		۷۲/۱۸	

۱۵۰ زن متأهل مهاجر افغانسـتاتی سـاکن در مناطق فرحزاد و شهرری در این مطالعه شرکت کردند. ۷۵/۳ درصد شرکت‌کنندگان به‌صورت قانونی در ایران حضور داشـتند که ۹۲ درصد از آن‌ها با همسر خود زندگی می‌کردند. ۸۵/۳ درصد خانه‌دار و ۵۰ درصد از همسرانشان کارگر بودند. ۹۴/۷ درصد زنان شـرکت‌کننده در پژوهش و ۸۹ درصد همسرانشـان بی‌سـواد بودند یا حداکثر خواندن و نوشتن می‌دانستند. ۹۷/۳ درصد آن‌ها بیشتر از یک سال بود که در ایران زندگی می‌کردند ۷۸ درصد از آن‌ها بیشـتر از پنج سـال از حضورشان در ایران می‌گذشت.

یافته‌ها نشان داد ۸۴/۷ درصد از شرکت‌کنندگان در پژوهش با ناامنی غذایی مواجه بودند، ۹۶ درصد آن‌ها ناامنی غذایی در بعد خانوار،۹۳ درصد ناامنی غذایـی در بعد بزرگسـال و ۸۴/۷ درصد ناامنی غذایـی در بعد کودک را گزارش کردند. آزمون همبسـتگی اسـپرمن نشان داد میان سن زنان مهاجر افغـان و ناامنـی غذایـی کل (P<۰/۰۱، r=۰/۲۱۹)، ناامنـی غذایی در بعد بزرگسـال (P<۰/۰۱، r=۰/۲۱۸) و ناامنی غذایی در بعد کودک (P<۰/۰۵، r=۰/۱۸۰) رابطه معنادار وجود دارد.

زنان مهاجر افغان که به صورت غیرقانونی در ایران حضور داشـتند به‌طور معنـاداری ناامنی غذایی را در ابعـاد کل (P<۰/۰۵)، کودک (P<۰/۰۵) و خانوار (P<۰/۰۱) بیش از زنان مهاجر افغان که به صورت قانونی در ایران اقامت داشتند، گزارش کردند. در عین حال زنانی که سرپرست خانوار بودند در مقایسه با زنانی که همسرشان سرپرستی خانوار را به عهده داشت، به‌طور معناداری بیشـتر ناامنی غذایی را گزارش کردند (P<۰/۰۱) و در شاخص‌های ناامنی غذایی در بعد خانوار (P <۰/۰۵)، بزرگسال (P <۰/۰۱) و کودک (P<۰/۰۱) نیز ناامنی غذایی بیشتری را تجربه می‌کردند. زنان بی‌سواد به طور معناداری در مقایسه با زنان باسواد ناامنی غذایی بیشتری را گزارش کردند.

جدول(۱) توزیع فراوانی و درصد فراوانی برحسب متغیرهای دموگرافیک

ویژگی‌های شرکت‌کنندگان		فراوانی	درصد فراوانی
سن	۱۸-۳۳	۷۱	۴۷/۳
	۳۴-۴۸	۶۳	۴۲
	۴۹-۶۷	۱۶	۱۰/۷
وضعیت زندگی با همسر	زندگی با همسر	۱۳۸	۹۲
	بیوه	۵	۳/۳
	رد مرز شده	۷	۴/۷
وضعیت اشتغال	خانه دار	۱۲۸	۸۵/۳
	شاغل	۲۲	۱۴/۷
سرپرست خانوار	خودم	۱۴	۹/۳
	همسرم	۱۳۶	۹۰/۷
شغل سرپرست خانوار	بیکار	۳۸	۲۵/۳
	کارگر	۷۵	۵۰
	نامعلوم	۳۷	۲۴/۷
تحصیلات	بی‌سواد	۷۵	۵۰
	خواندن و نوشتن	۶۷	۴۴/۷
	سیکل یا دیپلم	۸	۵/۳
تحصیلات سرپرست خانوار	بی‌سواد	۷۳	۴۸/۷
	خواندن و نوشتن	۵۳	۳۵/۳
	سیکل یا دیپلم	۲۱	۱۵/۳
	دانشگاهی	۱	/۷
وضعیت مهاجرت	دارای کارت اقامت	۵۱	۳۴
	دارای پاسپورت	۶۲	۴۱/۳
	هیچکدام	۳۷	۲۴/۷
مدت زمان مهاجرت	کمتر از یک سال	۴	۲/۷
	بین یک تا پنج سال	۲۹	۱۹/۳
	بیشتر از ۵ سال	۱۱۷	۷۸
محل زندگی	فرحزاد	۹۷	۶۴/۷
	شهرری	۵۳	۳۵/۳

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]

بحث و نتیجه گیری

ایــن مطالعه باهدف ســنجش امنیت غذایی زنان مهاجر افغــان صورت گرفت. نتایج نشــان داد امنیت غذایی در میان مهاجرین افغان بسیار پایین است. ۸۴/۷ درصد از مهاجرین افغانستانی‌های شرکت‌کننده در پژوهش، از نظر امنیت غذایی در وضعیت ناامن قرار داشــتند و همین نتیجه در مورد شــاخص امنیت غذایی بعد خانوار (۹۶ درصد) شــاخص امنیت غذایی بعد بزرگسال (۹۳ درصد) و شاخص امنیت غذایی بعد کودک (۸۴/۷ درصد) مشاهده شد.

عواملی مانند جنگ و ناامنی، بیکاری، تورم، وضعیت نامناســب اجتماعــی و اقتصادی و جنگ‌های قومیتی و مذهبی در افغانســتان از مهمترین عوامل مهاجرت افغان‌ها به ایران هستند. از سوی دیگر عواملی مانند امنیت، نزدیکی، فرهنگ نزدیک، دین و مذهب مشــابه، زبان مشــابه، کم هزینه بودن از مهمترین عوامل جاذب ایران برای افغانســتانی‌ها بشمار مــی‌رود. مهاجران افغان سال‌هاســت که در ایــران حضور دارند اما قوانین در ایران شــرایط را برای اقامت دائمی آن‌ها مهیــا نمی‌کنــد. علاوه بر این تعداد زیادی از مهاجرین افغان به صورت غیرقانونی در ایران حضور دارند و همین موجب می‌شــود نتوانند از حداقل حمایت‌هایی که برای مهاجرین قانونی پیش‌بینی شــده است، بهره مند شوند. اغلب مهاجرین افغان از ســواد و تحصیلات پایین برخوردارند و مهارت‌های شــغلی آن‌ها محدود اســت. از طــرف دیگر قوانین ایران محدودیت‌هایی را برای اشــتغال آن‌ها پیش‌بینی کرده اســت. مشاغل مجاز برای افغان‌ها در بسیاری موارد فصلی هستند و به این ترتیب درآمد خانوارهای افغان در دوره‌های زمانی مختلف فراز و فرودهای چشــمگیری دارد. این درصورتی اســت که نان‌آور خانوار حضور داشــته باشد و قادر به کارکردن باشد. برنامه بازگشــت مهاجران افغان به کشورشان در ســال‌های اخیر به طور وســیع پیگیری شده است و زنان مهاجر افغان را با مشــکل ردمرز شدن همسرانشان روبرو کرده اســت. با ردمرز شــدن همســر و یا فرزند ذکور خانواده، درآمد خانواده به حداقل می‌رسد و زنان و کودکان را با ناامنی غذایی بیشتری روبرو می‌کند.

ســازمان‌های مردم نهاد مهمترین ارائه دهندگان خدمات به مهاجرین افغان هســتند اما این بدان معنا نیست که همه زنان مهاجر افغان (اعم از مهاجرین قانونی و غیرقانونی) به خدمات آن‌ها دسترســی دارند. این مطالعه در مورد زنان مهاجری انجام شــد که از ســازمان‌های مردم نهاد خدماتی را به‌طور مســتمر و یا نامنظم دریافت می‌کردند. با این حال همان طور که پیش از این نیز اشــاره شــده اکثریت قابل توجه آنان با ناامنی غذایی مواجه بودند. به این ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که حتی زنانی که تحت پوشــش خدمت ســازمان‌های مردم نهاد هم هستند، از ناامنی غذایی رنج می‌برند. زنانی که از این حداقل خدمات نیز برخوردار نیستند، به‌طور منطقی باید بیشتر در معرض ناامنی غذایی باشند.

زنان به‌عنوان کسانی که تغذیه اعضای خانواده با مدیریت آن‌ها انجام می‌شود، خود در بسیاری موارد بیشتر در معرض ناامنــی غذایــی قرار می‌گیرند. آن‌هــا در صورتی که غذا برای همه اعضای خانواده کافی نباشــد، بــا اولویت غذا را به کودکان و ســایر اعضای خانواده می‌دهند و احتمال اینکه خودشــان گرسنه بمانند یا به اندازه کافی غذا دریافت نکنند، بسیار زیاد خواهد بود.

نتایج این مطالعه نشــان داد باســواد بودن زنــان مهاجر افغان با ناامنی غذایی رابطه معکوس داشــت. به نظر می‌رســد درصورتی که زنان سواد داشته باشند و آموزش دیده باشند، بهتر می‌توانند برای تغذیه خانوار برنامه‌ریزی کنند و احتمال ناامنی غذایی را کاهش دهند. علاوه بر این داشتن اقامت قانونی با ناامنی غذایی رابطه معکوس داشت. حضور غیرقانونی زنان مهاجر افغان موجب می‌شــود آن‌ها از حداقل‌هایی که برای مهاجران قانونی در ایران فراهم شــده اســت، بی بهره بمانند. یافتن شغل برای سرپرست خانوار در چنین شرایطی بسیار دشوار است و ردمرز شدن همسر زنان مهاجر افغان در این موقعیت می‌تواند شرایط را به‌طور چشمگیری برای آن‌ها دشوار نماید.

هیچ یک از سازمان‌های دولتی و بین المللی مسئولیتی در قبال تأمین امنیت غذایی زنان مهاجر افغان که در ایران حضور دارند، نپذیرفته‌اند و تلاش‌های پراکنده سازمان‌های غیردولتی نیز پاسخگوی نیازهای این گروه نیست. سازمان‌های مردم نهاد تنها مجازند به مهاجرین قانونی خدمات خود را ارائه کنند. در چنین شرایطی مهاجرین غیرقانونی بیشتر در معرض خطــر قرار دارند. اگرچه مهاجرین قانونی با ناامنی غذایی کمتری روبرو هســتند، ولــی نمی‌توان ادعا کرد که آن‌ها از این مشــکل رنج نمی‌برند. ناامنی غذایی زنان مهاجر افغان حاضر در ایران را می‌توان یک فاجعه انســانی دانست. حیات

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]

ایــن زنــان به‌دلیل عدم برخــورداری از حداقل‌های مــورد نیاز برای بقا در معرض خطر اســت. بی‌تردید ضرورت دارد ســازمان‌های بین المللی و دولتی برنامه‌های مشــخصی را برای رفــع ناامنی غذایی این زنان پیش‌بینی کنند. تغییر سیاســت‌ها و قوانیــن در خصوص حقوق مهاجریــن و پناهنــدگان در ایــران، برنامه‌یزی جهت افزایش ســطح ســواد و مهارت‌های مهاجرین و مداخلات مستقیم برای بهبود تغذیه مهاجرین افغان می‌تواند بخشــی از اقدامات ضروری در این حوزه باشــد. در عین حال پژوهش‌های بعدی می‌توانند به بررسی تأثیر هر یک از این مداخلات بــر ناامنی غذایی زنان مهاجر افغان متمرکز شوند.

منابع

References:

1- Cavaglieri S. Livelihood Strategies and Food Security in Refugee Camps. Roma, Italy: University of Roma; 2005.

2- Gary B, Nord M, Price C, Hamilton W, Cook J. Guide to Measuring Household Food Security, Revised 2000. Alexandria VA: U.S. Department of Agriculture, Food and Nutrition Service; 2000.

3- Coleman-Jensen A, Rabbitt MP, Gregory CA, Singh A. Household Food Security in the United States in 2015. USA: United States Department of Agriculture; 2015.

4- Radimer KL, Olson CM, Campbell CC. Development of indicators to assess hunger. Journal of Nutrition. 1990;120:1544-48.

5- Hamilton WL, Cook J, Thompson WW, Buron LF, Frongillo EA, Olson CM, et al. Household food security in the united states in 1995: summary Report of the security measurement project. Alexandria, VA: Report prepared for the USDA Food and consumer service; 1997.

6- REACH. Food Security Among Syrian Households Within Syria and Neighbouring Countries. 2014.

7- Stephen LJ. Syrian refugees and food insecurity in Iraq, Jordan and Turkey: Secondary Literature and Data Desk Review. WFP; 2013.

8- Omidvar N, Ghazi-Tabatabie M, Sadeghi R, Mohammadi F, Abbasi-Shavazi MJ. Food insecurity and its sociodemographic correlates among Afghan immigrants in Iran. Journal of health, population, and nutrition. 2013;31(3):356-66.

9- Abdollahi M, Abdollahi Z, Sheikholeslam R, Kalantari N, Kavehi Z, Neyestani TR. High occurrence of food insecurity among urban Afghan refugees in Pakdasht, Iran 2008: a cross-sectional study. Ecology of food and nutrition. 2015;54(3):187-99.

10- Nelson K, Cunningham W, Andersen R, Harrison G, Gelberg L. Is food insufficiency associated with health status and health care utilization among adults with diabetes? . J Gen Intern Med. 2001;16:404-11.

11- Hasan-Ghomi M, Mirmiran P, Amiri Z, Asghari G, Sadeghian S, Sarbazi N, et al. The Association of Food Security and Dietary Variety in Subjects Aged Over 40 in District 13 of Tehran. Iranian Journal of Endocrinology and Metabolism. 2012;14(4):360-7.

12- Kendall A, Olson CM, Frongillo EA. Relationship of Hunger and Food Insecurity to Food Availability and Consumption. Journal of American Diet Association. 1996;96(10):1019-24.

13- Holben DH, Pheley AM. Diabetes risk and obesity in food-insecure households in rural Appalachian Ohio. Preventing Chronic Disease. 2006;3:A82.

14- Radimer KL, Olson CM, Campell CC, Greene JC, Habicht JP. Understanding hunger and developing indicators to assess it in women and children. Journal of nutrition Education. 1992;120(24):36S-44S.

15- ZerafatiShoae N, Omidvar N, Ghazi-Tabatabaie M, HoushiarRad A, Fallah H, Mehrabi Y. Is the adapted Radimer/Cornell questionnaire valid to measure food insecurity of urban households in Tehran, Iran? Public Health Nutrition. 2007;10(8):855-61.

16- Sseguya H. Impact of social capital on food security in southeast Uganda: Iowa State University; 2009.

17- Devereux S. Social Protection for Enhanced Food Security in Sub-Saharan Africa. Brighton, UK: Centre for Social Protection, Institute of Development Studies; 2012.

18- Jamshidiha GR, Alibabaei Y. The reasons of Afghan immigrant repatriation; focucing on residents of Golshahr city in Mashhad Social Sciences Letter. 2002;20:71-90.

19- Mohaghegh J. A New Perspective to Afghan Immigration to Iran. Payambar Journal. 1998;2(8).

20- bhugra D, Jones P. Migration and mental illness. Advances in Psychiatric Treatment. 2001;7:213-23.

21- Songhori N, Fekr-Azad H, Maarefvand M. Barriers of Afghan Adolescents' Social Integration in Iranian Society. Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research. 2014;5:101-24.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-08]